

اهداء به ژان او بن
به یاد بیست و پنجمین سال آشنائی

فرمانی از سلطان رستم آق قوینلو

از رستم بن مقصود بن حسن بهادر خان آق قوینلو
(۸۹۷-۹۰۲) يك فرمان مورخ سال ۹۰۰ هجری ،
تحریر شده در تبریز و به خط تعلیق، مربوط به ترتیب
پرداخت خراج و وجه منال کرارج اصفهانك که از
طرف رستم مذکور به شاه تقی الدین محمد نقیب^۱
واگذار شده بود، توسط آقای ژان او بن دریادنامه
ماسینیون^۲ چاپ شده است. فرمان مورد ذکر اطلاعات
مفیدی را در زمینه طرز پرداخت خراج و نحوه دریافت
مال و منال در بردارد. جزین گویای اعتبار و اهمیتی
است که شاه تقی الدین از نظر نقابت و سیادت در حوزه
اصفهان داشته است.

اخیراً که در خدمت شاعر فاضل گرامی آقای
جلال بقایی نائینی مقیم نائین بودم، فرمانی بسیار
گرانقدر از رستم آق قوینلو مورخ به سال ۹۰۲ هجری
و به خط نسخ بسیار عالی و باتذهیبی نفیس از همان عصر
دیدم که متن آن را اینك در اینجا به چاپ می رسانم
و مشخصات و اختصاصات آن را بدین شرح بر می شمارم.

چون از فرامین سلسله آق قویونلو مقدار کثیری در دست نیست، طبعاً این اثر برای محققان تاریخ آن عصر واجد اعتبار و مرجع تحقیقات تازه خواهد بود و ارزش علمی و تاریخی آن مسلم است.

از دوستان دانشمند آقای محمد تقی دانش پژوه که مخصوصاً در قرارت مهرها و آقای دکتر عباس - زویاب که در چند مورد مرا کمک کردند و از فاضل ارجمند آقای حسین مدرس طباطبائی برای اطلاعات مفیدشان تشکر می کنم.

(۱) این فرمان برخلاف فرمانی که آقای ژان-اوبن چاپ کرده اند مسجل به سجلات عده ای زیاد از علماست.

سبب این امر در آن بوده است که در مالکیت مواضع مورد بخشش پادشاه، اشکال شرعی وجود داشته است.

طبعاً عده ای را بر آن داشته اند که عمل رستم پادشاه را از نظر شرعی صحیح دانسته تسجیل کنند.

(۲) چون این فرمان هم، در مورد اقطاع آبادیهایی است به شاه تقی الدین، طبعاً گویای شخصیت مؤثر و صاحب نفوذ دینی اوست در آن عهد.

(۳) از این فرمان نیک برمی آید که تاجچه حد آق قویونلوها از لحاظ جنبه دینی و به ملاحظه سیاست کشورداری خود نسبت به سادات توجه و عنایت مبذول می داشته اند.

(۴) از لحاظ اصطلاحات دیوانی و نیز تمهیداتی که فقها و علما در موجه و شرعی جلوه دادن عقود و ایقاعات به کار می برده اند جالب توجه و متضمن دقائق ظریف است .

(۵) فرمان ، حاوی اسامی چند پارچه آبادی و اعلام جغرافیائی ناحیه اصفهان است و طبعاً از نظر جغرافیای تاریخی مفید فایده .

(۶) در این فرمان نام شاه تقی الدین و اجدادش تا سه پشت گفته شده است (در حالی که فرمان چاپ آقای او بن فقط نام شاه تقی الدین را دارد).

(۷) در این فرمان نام عده ای از علمای عصر و خطوط آنان مضبوط است .

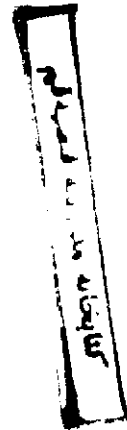
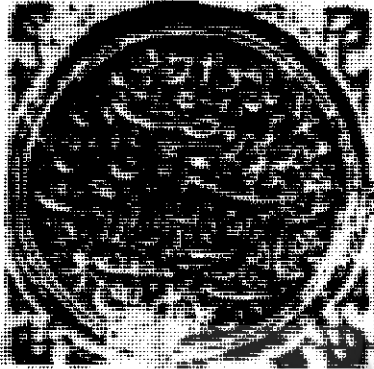
(۸) فرمان به تسجیل قضات شافعی و حنفی (هر دو گروه) رسیده است. این امر خود از نظر اوضاع اجتماعی عصر قابل دقت نظر است .

(۹) خط خوش نسخ فرمان ممکن است از آن مولانا ادریس باشد به دلیل آنکه در « گلستان هنر، آمده است: «مولانا ادریس... خط او گرچه نازک و ورعنا نیست اما اسلوب و اصول خوب دارد. انشاء حسن پادشاه و رستم پادشاه والوند بیک کرده است»^۲.

(۱۰) فرامین از این سنخ که مربوط به آن عصر باشد بدین زیبایی و باتذهیب عالی کم نظیر است ، حتی فرمان الوند بیک هم بدین نفاست نیست.^۴

(۱۱) قطع فرمان ۴۸ × ۲/۷۵ سانتی متر و کاغذ آن آهار مهره است. سجع مهر سلطان رستم در قسمت چپ

تذهیب دیده می‌شود. و آن مقدار که خواننده شد عبارت است از: «آنکه دارد مهر بهر مصطفی... رستم بن مقصوده امید است دوستان به خواندن آن کمک کنند».



امید است این فرمان تاریخی که از يك پادشاه ایران و متضمن نکاتی مهم است توسط سازمان ملی اسناد ایران خریداری و در آن جا برای همیشه نگاه‌داری شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هو السلطان له الحمد وعليه التكلان

الحمد لله الذي انعم على العالمين بكمال فضله و انعامه و اكرم ارباب
العزب و فور افضاله و اكرامه و الصلوة و السلام الا تمان الا كملان على اكمل
خلق الله محمد صاحب الشرع و معلمى اعلامه و على آله الكرام و اصحاب
عظامه .

و بعد اين وثيقة شرعية دينيه و اين صحيفة صحيحة مليه ناطق و مشعرست
به ذكر آنكه در تاريخ عشرين شهر مبارك جمادى الثانى سنة اثنى و تسعمائة
الهجرية النبوية و كيل شرعى ثابت الوكالة و اضع النيابة اعلى حضرة خلافت پناه
جمشيد جاه ملايك سپاه، ظل اله سليمان مكان، خورشيد رفعت، مشترى منزلت،
سلطان سلاطين العرب و العجم، مالك رقاب الامم، مستعبد الملوك فى البر و اليم،
مستخدم القياصرة فى العالم، باسط بساط الامن و الامان، ناسر صحايف العدل
و الاحسان، ولى المهدي فى الزمان، قانع الظلم و الطغيان، المظفر على الاعداء
بلاجنود و واعوان، المؤيد من عند الله، المجازى لمن اتخذ الهه هو، المفتوح عليه
ابواب الفتح المبين، المنصور بنصرة خير الناصرين، المتوكل على الملك العلى،
المهيمن المنان، السلطان ابن السلطان ابن السلطان ابن الخاقان ابن الخاقان
ابن الخاقان ابن الخاقان غياث السلطنة الابدية و الخلافة السرمدية و الرفعة الكاملة
و الحشمة الشاملة .

ابوالمظفر السلطان رستم بن السلطان مقصود ابن السلطان

حسن بهادر خان

خلد الله تعالى ظلال عنايته و مرحمته على كافة المسلمين و ابدلوا خلافته
وسلطنته و عدالته على قاطبة العالمين.

بعد از ثبوت وكالة او فيما سيد کرهمگی و تمامی تلمان مشاع از جميع
موضع اندوان^۵ واقع در بلوک قهاب از بلوکات اصفهان و کوره عراق عجم
محدود به قنایه استوبه (کذا)^۶ و به قنایه مشهوره به مولحقاق (کذا) و به املاک
دیان و به شارع و صحرای القوان (کذا)^۷.

و همگی و تمامی موضع فیروز آباد محدود به مزرعه حرردان (کذا)
و کوحان (کذا) و به شارع و تل سکنه و مزرعه نغل (کذا) و به صحرای
مرر آباد (کذا) و شوره زار و به صحرای سفوسجرد (کذا) و سکنه (کذا) که
واقع است در بلوک قهاب مذکور با سایر توابع و لواحق و مزارع و مضافات
و منسوبات از صحرای و اراضی و جداول و قنوات و انهار و آبار عامراً و غامراً
به طریق شرعی اقطاع تملیکی تملیک اعلی جناب سیادت پناه، نقابت دستگاه،
معالی قیاب، اعلی انتساب، تقوی نصاب، اعلی ملاذ، اکبر معاذ، مرتضی
ممالک اسلام، قدوة السادات و الاشراف فی الایام، اسوة الافاخم و النقباء بین الانام،
الجامع للمملکات الملكية، الحائز للکمالات الانسیة، متبوع الاعالی فی العراق
مقتدی ارباب المناقب بالاتفاق، المؤید من عند الله الصمد شاه تقي الملة
والسیادة و النقباء والدين محمد بن حضرة المولى المرتضى المقتدى السعيد -
الشهيد المجتبی المغفور المبرور الحمید، مقتدی اعظم السادات فی زمانه،
الواصل الى رحمة الله رضوانه شاه قوام الملة و المغفرة والدين حسين بن حضرة
المرتضى المقتدى الاعظم موئل الاکبر و ارباب العمام فی العجم، افتخار اجلة
النقباء فی عصره، متبوع اعزة الاشراف فی دهره، المستريح روحه الاقدس
فی جوار الله الصمد الغنی شاه قطب الدين محمد النقيب الهادي الحسيني اعلی الله

تعالی شأنه العالی بین الانام و روح ارواح آبائه العظام و اجداده الکرام
بالدوام الی یوم القیام فرمود،

و وکیل اعلی جناب سیادت مآب مشارالیه نیز قبول شرعی تملیک اقطاعی
مذکور کرد و به اقباض شرعی اعلی حضرت پادشاه عالم پناه مشارالیه جمیع
موضع و حصه مذکور تین را باتوابع مزبوره قبض صحیح شرعی کرد و در
تحت تصرف شرعی اعلی جناب تقیا محمد در آمد .

و جریان اقطاع تملیکی مذکور بعد از آن بود که نزد قضاة اسلام سیما
حاکم مسجل صدر کتاب اعلی الله تعالی شأنه در ضمن مرافعه شرعی و تداعی
ملیه ثابت و واضح شده بود و به وجه شرع که ابتیاعی که محمد امیر بن
فخرالدین احمد بن محمد رارانی^۸ در چهار دانگ مذکور از اندوان
مسطور سابقاً دعوی می نمود که از وکیل وکیل اعلی حضرت پادشاه عالم پناه
مومی الیه خریدده، به موجب تمسک مشتمل بر اقرار اقرار وکیل وکیل مذکور
بر تقدیر وقوع باطل بوده، بنا بر وجوه مسطوره در تمسکی که درین باب
مکتوب شده و بطلان آن نزد قاضی مسجل ثابت و محکوم به گشته و آنکه
ایامی که محمد امیر مذکور در چهار دانگ اندوان مذکور تصرف نموده
بوده به غصب و غیر حق بوده ثبوتی صحیح شرعی و برین جمله حکم شرعی
بعضی از قضاة شافعیه صادر شده بود و به تنفیذ شرعی دیگر قضاة شافعیه و حنفیه
منفذ و ممضی شده بود .

و ایضاً ثابت شد به مساهو طریق ثبوتی شرعاً که عقد اقطاع تملیکی
مذکور مشتمل بر جمیع شروط و ارکان بوده و اعلی جناب مقطع له را استحقاق
اقطاع مذکور بدو، و زیاده از آن، من وجوه کثیره از اموال دیوانیه و ضایعه
بوده و هدیت، و آنک حین الاقطاع المذکور حصه و موضع مذکور تین باتوابع
مزبوره آن در تحت تصرف نواب اعلی حضرت پادشاه عالم پناه مومی الیه
خلد الله ملکه و سلطانه بوده، پس به موجب اقطاع تملیکی بر وجه مسطور

جميع حصه و موضع مذکور تین باتوابع ولواحق ومضافات ومنسوبات و اراضی و شرب و مشارب مذکورہ حق و ملک طلق شرعی اعلیٰ جناب مقطع له مومی الیہ گشت، فله ان يتصرف فیها كتصرف الملاك فی املاکهم وذوی الایدی والحقوق والاشقاق فی حقوقهم واشقاقهم .

و برین جمله حکم شرعی قاضی مترافع الیہ بعد از رعایت ما یجب رعایتہ شرعاً صادر شد و به تنفیذ قضاة اسلام شافعیہ و حنفیہ مقرون و متصل گشت . و به وقع التحریر و الاشهاد فی تاریخ المذکور فی صدر الکتاب والحمد لله اولاً و آخراً و الصلوة والسلام علی نبیہ وحبیبہ محمد و آلہ و صحبہ ظاہر و باطناً .

سجلات قسمت پائین فرمان

☆ هو . علماء اسلام ابقاهم الله تعالى الى يوم القيام بيان فرمایند که مضمون این کتاب من اوله الى آخره صحيح ومشروع است یا نه ؟ بینوا توجروا والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آلہ و صحبہ اجمعین .

هو . ذلك لذلك والامر على ما هنالك، وانا شاهد بمضمونه الثابت شرعاً، حرره العبد عمر بن الشيخ تاج الدين غفرلهما (محل مهر) . ولذکر الله اکبر العبد الفقير عمر، ۹۰۶ گاه علوم انسانی و مطابعات فرنگی

☆ الله الموفق . بلى والله اعلم، [حرره] عبدالغنى بن محمد البهبهاني الشافعي عفى عنهما امر (محل مهر) .

☆ هو هو . كتب الجواب والله اعلم بالصواب، حرره ابن محمد منصور

الحسينی .

☆ من الواقفين عليه ، العبد عنایت الله ديلمی (محل مهر) .

☆ بشهادت العبد ، زکریا عفی الله عنه (محل مهر) .

☆ هو من المطلعين عليه ، العبد محمود الديلمی (محل مهر) : تو کلت

علی الله العبد محمود بن شکر الله

مبجلات قسمت بالای فرمان

✽ هو المعز وحده . الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقين والصلوة والسلام علی سیدنا محمد وآله وصحبه الطیبین الطاهرین، وبعد فقد وضع مضمون الکتب الدینی هذا لیدی وتحقق مکتوبه بین یدی من المطلاع الی المقطع بوجه تعبدیه شرعاً وبعول علیه سمعاً فان رعاية ما یجب رعايته شرعاً ترتیب علیه مقتضى الشریعة الغرا من التنفیذ والحکم بصحته والامضاء مسؤلاً، حرره العبد المحتاج المقتدر الی الله الغنی، کمال الدین بن فتوح الدین الاصفهانی حامداً مصلياً مسلماً عفی عنهما (محل مهر) : ناد علیاً مظهر العجایب

✽ هو عرض علی ثبت مضمونه عندی بوجه انهایى فنفذ به وحکمت بما فیہ کتب ابن یعقوب سلیمان الشریف نیابة عالیہ مطاعته ... ابدت ایام صدارته عفی عنهما (محل مهر) . انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم .

✽ هو - ثبت ما ثبت فی الکتب الدینی هنا من بدايته الی نهايته بوجه شرعی انهایى، فنفذته اثر رعاية ما یجب رعايته شرعاً مسؤلاً، حرره محمد ابن مجد الدین محمد الانصارى عفی عنهما (محل مهر) . و ما توفیقی الا بالله محمد ۸۸۹ ،

✽ ... مضمونه لیدی انهاء فنفذته مسؤلاً حاکماً بصحته، حرره الفقیر رستم الحنفی عفی عنهما (محل مهر) :

✽ الله یحق الحق بکلماته، وضع لیدی مضمونه فاشهدت به وانا ابو علی بن محمد منصور الحسینی احسن الله حاله (محل مهر) .

پشت فرمان در محلهای وصل کاغذ نه مهر از آن محمد بن عبدالرحمن شکر بن الله وهشت مهر از آن دیده میشود .

حواشی

۱- آقای اوبن به تفصیل اطلاعات مربوط به این شاه تقی الدین را در مقاله خود که پس از این معرفی می شود مندرج ساخته و شجره خاندان او را که از یک سو به شاه قطب الدین محمد نقیب حسینی و از سوی دیگر به شاه شرف الدین حیدر گلستانه منتهی میشود به دست داده است .

2- J. Aubin , Note sur quelques documents Aq Qoyunlu.
Mélanges Louis Massignon, Damas 1956 , Vol . I . 11. 122-147 .

۳- گلستان هنر تألیف قاضی احمد میرمنشی قمی ، تصحیح احمد سهیلی خوانساری . تهران ۱۳۵۲ ص ۴۴

۴- خریداری موزه بانک سپه از مرحوم جابری انصاری (اصفهان) که متن آن توسط آقای دکتر عبدالحسین نوائی به چاپ رسیده است .

۵- نام این آبادی در فرهنگ جغرافیایی ایران (جلد ۱۰) وجود دارد

۶- اسمایی که با کذا مشخص شده است در منابع دیده نشد و محتاج کسب اطلاع از مطلعین محلی است .

۷- آقای جلال بقائی فائینی فرمودند که قنبر است .

۸- تقریباً به این شکل خوانده می شود ولی ممکن است دارای هم باشد و داران منطقه ای اصفهان است .



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علمون انساني



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنال جامع علوم انسانی



پښتو ښکلا ښوونځی
پښتانه ښوونځی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنال جامع علوم انسانی



پښتونستان ګاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني